

بعید آیندگی و چند زمان نادر در گویش خانیکی

چکیده

مردم روستای تاریخی و بیلاقی خانیک از حوالی کاخک گناباد در سخن گفتن خود دقت‌های زبانی خاصی دارند. گویش این روستا به علل طبیعی و جغرافیایی، از جمله محصور بودن و عدم مهاجرپذیری، تا حدی دست‌نخورده باقی‌مانده است. از ویژگی‌های منحصر به فرد گویش مردم روستای خانیک رواج زمانی خاص است که در زبان فارسی معیار از آغاز فارسی دری تا حال وجود نداشته است. در این زمان قصد انجام کاری از گذشته وجود داشته، اما تا حال عمل آغاز نشده است و در آینده محقق خواهد شد یا به وقوع نخواهد پیوست. این زمان "بعید آیندگی" یا "گذشته در آینده" نام گرفت و با زمان "گذشته آیندگی" که در برخی دستورها آمده است، تفاوت دارد. نیز برخی زمان‌ها که در فارسی معیار بی‌سابقه است، در این گویش رواج دارد و همچنین زمان‌هایی که در گذشته و در متون کهن برخی ساخت‌های آن وجود داشته، اما در خانیکی تمام ساخت‌ها رایج است. داده‌های این تحقیق از طریق مصاحبه با گویشوران کهن‌سال و بی‌سواد خانیک ضبط شده و پس از نوشتن چند مقاله در مورد فعل‌ها و شناسه‌ها در گویش خانیک و مقایسه با متون تاریخی و دستوری، ارائه می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: بعید آیندگی (گذشته در آینده)، زمان‌های نادر یا فراموش شده، گویش خانیکی و فارسی معیار.

۱. مقدمه^۱

مردم روستای خانیک در سخن گفتن خود از دقت‌های زبانی شگفتی برخوردارند. در گویش این مردم زمان‌ها و فعل‌های خاصی^۲ رواج دارد که برخی از این زمان‌ها در طی حدود ۱۲۰۰ سال که از عمر زبان فارسی دری می‌گذرد در هیچ متن فارسی رؤیت نشده و از برخی زمان‌ها نیز اگر فعلی گزارش شده، از یکی دو ساخت تجاوز نمی‌کند که آن هم در متون کهن آمده است؛ در حالی که در گویش خانیکی هنوز نه فقط در بین کهن‌سالان بلکه در میان جوانان گویشور و مقیم روستا تمام ساخت‌های این زمان‌ها به کار می‌رود. زمانی در گویش رایج است که در فارسی معیار وجود نداشته است. این زمان به نام «بعید آیدگی یا گذشته در آینده»^۳ نام‌گذاری شده است. مثالی از زمان بعید آیدگی:

«مَایستَه ت بُدَه بُ بَخَرِی»: (می خواسته بوده بودی بخری)

ma:-yesta=t bod-a-bo be-xar-i
PROG- want.PST=2SG.CLT be.PST-ASP-be.PST SUBJ-buy.PRS-2SG

به آوردن چند مثال و شش ساخت آن، بسنده می‌شود:

«این سوزی‌ها چو چنی؟ مسته م بدّه بُ پیژم، حیف شو بیوسیده ی»

(این سبزی‌ها چرا چنین شده؟ می‌خواسته بوده بودیم پیژیم این‌ها را، حیف شد بیوسیده است).

۱. نشانه‌های آواشناسی معادل‌سازی شده، عبارتند از: (جهت استفاده ادبا، آوانگاری معمول به کار گرفته شد).

=h =ç؛ چ؛ =j =ژ؛ ط؛ =t =ت؛ =p =پ؛ =b =ب؛ =u =او؛ =ā =آ؛ =o =و؛ =e =ه؛ =x =خ؛ =d =د؛ =z =ذ؛ =s =س؛ =š =ش؛ =q =غ؛ =k =ک؛ =g =گ؛ =l =ل؛ =m =م؛ =n =ن؛ =v =و؛ =y =ی.

=: دو نقطه نشانه امتداد و کشیدگی صدا.

=a: نشان صدایی کشیده‌تر از فتحه [a] و کوتاه‌تر از آ (â) است به گونه‌ای که دهان کامل باز نمی‌شود. مثل: مَایم (می-خواهم) کشیده‌تر از «مَیم» و کوتاه‌تر از «مایل» است.

=â: نشان صدایی کشیده‌تر از الف [a] و کوتاه‌تر از (آ) [â] است. مثل: اَهم [âhom] (هستم)، در مقابل اَهم [ahom] یا «است» [ast].

۲. این مقاله بر گرفته از طرح پژوهشی است که در دانشگاه فردوسی مشهد انجام شده است.

۳. نام این زمان را «گذشته در آینده» گذاشته بودم، همکار ارجمند جناب آقای دکتر یاحقی نام «بعید آیدگی» را پیشنهاد کردند.

ʔi sowzi-hâ ču čen-i? ma:-yest-a-ma bo-boda
 this vegetable-PL why like this- become.PST.3SG? PROG-want.PST-ASP=1PL be.PST-
 ASP-be.PST
 be-paz-e-me, hayf šu be-possid-e-y
 SUBJ-cook.PRS-ASP-1PL pity become.PST.3SG SUNJ-rot.PST-ASP-3SG

دوساخت از بعید آیدگی:

مأیسته م بده ب و رکشم (می خواسته بوده بودن وزن کنم اش)

ma:-yesta-m bod-a bo varkaš-ome
 PROG-want.PST-1SG be.PST-ASP be.PST weight-1SG

مأیسته ت بده ب و رکشی ی (می خواسته بوده بودی وزن کنی اش).

ma:-yesta-t bod-a bo varkaš-iyē
 PROG-want.PST-2SG be.PST-ASP be.PST weight-2SG

بعید آیدگی با فعل های کمکی ساخته شده از مصدر «مأیستأ» [ma:yesta:] (خواستن) صرف می شود. این مصدر به دو معنای (خواستن) و (دوست داشتن) در خانیک و دیگر نقاط خراسان به کار می رود. در مورد زمان خاصی که از آن به «بعید آیدگی» نام بردیم، فعل های مصدر مذکور به معنای (خواستن) به کار می رود.

این زمان با «آینده در گذشته» یا «گذشته آیدگی» فرق دارد. چنان که در توضیح «آینده در گذشته» آمده است:

«در قدیم ضمن بحث از فعل یا فعل های ماضی، اگر می خواسته اند سخن از وقوع فعلی دیگر به میان آرند که آن فعل در هنگام وقوع فعل یا افعال دیگر هنوز واقع نشده بوده، ولی در آینده نزدیکی انجام گرفتنی و از این رو نسبت به زمان فعل یا فعل های دیگر، مؤخر و مستقبل بوده است، ساخت ویژه ای از فعل اصلی به کمک ماضی ساده یا ماضی استمراری فعل معین «خواستن» به کار می برده اند» (احمدی گیوی، ۱۳۸۴: ۲۲۸).

۱. ۲. فعل های «آینده در گذشته» به دو صورت در متون کهن دیده می شود:

«۱. ماضی ساده فعل «خواستن» + بن ماضی یا مصدر فعل اصلی (آینده در گذشته ساده):

خواستم رفت، خواستی رفت، خواست رفت، یا خواستم رفتن ...

۲. ماضی استمراری یایی «خواستن» + بن ماضی + فعل پیرو (آینده در گذشته استمراری):

خواستمی رفت ... (همان).

طرز ساخت و کاربرد آینده در گذشته با بعید آیدگی تفاوت دارد. در گویش خانیکی علاوه بر بعید آیدگی زمان‌های دیگری هم رایج است، در حالی که در فارسی یا متداول نبوده است و یا اگر بوده، چند شخص آن بیشتر به کار برده نشده است. مانند ماضی ابعید یا بعید نقلی و ماضی ابعید مستمر که در حدود دو شخص آن در برخی متن‌های کهن به کار رفته است. فعل ماضی ابعید «در قرن‌های ۴ و ۵ تا ۶ بیشتر متداول بوده، پس از آن ظاهراً به علت درازآهنگ بودن آن متروک شده است» (احمدی گیوی، ۱۳۸۰: ۴۶۰) گرچه در قرن ۱۴ برخی بزرگان ادب آن را به کار برده اند (همان) که همچون متون کهن، غالباً سوم شخص آن است، مانند این عبارت: «عده متصوفان، زاید بر چهار هزار نفر رسیده بوده است» (همایی، ۱۳۶۲: ۸)، در صورتی که امروزه تمام ساخت‌های ماضی ابعید در گویش خانیک رواج دارد و زمان‌های دیگری که در متن بدان‌ها پرداخته خواهد شد.

معرفی خانیک

روستای بیلاقی خانیک از توابع بخش کاخک در شهرستان گناباد خراسان رضوی است که روی ارتفاعات سیاه‌کوه قرار دارد. بلندی سیاه‌کوه در کوه‌های خانیک قریب به ۲۸۱۴ متر و ارتفاع روستا از سطح دریا در قسمت‌های مختلف حدود ۱۹۰۰ تا ۲۰۰۰ متر است. طول جغرافیایی خانیک ۵۸/۳۳ و عرض جغرافیایی آن ۳۴/۰۸ است (پاپلی، ۱۳۶۷: ۲۱۹). روستا مربوط به دوران چهارم زمین‌شناسی است (حجازی، ۱۳۸۲: ۱۵). در قسمت جنوبی خانیک، در دامنه جنوبی کوه‌های خانیک، روستاهای شهرستان فردوس قرار دارد. از سمت شرق بعد از روستاهای کارشک و ایدو، بخش کاخک و در مغرب و شمال غربی بعد از روستاهای کوه‌قلعه و زو (صالح‌آباد) و میمند، روستاهای کلات و زبید و سنو قرار می‌گیرند. در شمال آن، روستای دیسفان است. تنها راه عبور و مرور و ماشین‌رو و آسفالت‌ه روستا از دیسفان می‌گذرد. از خانیک تا جاده کلات به کاخک، شش کیلومتر فاصله است و فاصله خانیک تا کاخک حدود ده کیلومتر و تا شهرستان گناباد حدود سی کیلومتر است. منازل روستا، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، دارای آب، برق، تلفن و گاز شده است، نیز جاده آن آسفالت شده و مسیر بیشتر قنات‌ها، ماشین‌رو است. خانیک ۲۸ قنات و بیش از ۱۱ چشمه دائمی با اشجار و اراضی دارد؛ اگرچه در اثر خشک‌سالی‌های بی‌سابقه دهه اخیر برخی از

این‌ها خشک شده است. جمعیت روستا در گذشته ۱۰۷۱ تن بوده است (دهخدا، لغت‌نامه، ذیل: خانیک). پس از خشک‌سالی‌های متمادی و نیز به دلیل مهاجرت مردم به شهرها، این جمعیت به کمتر از یک سوم تقلیل یافته است و ظاهراً روز به روز رو به کاهش دارد. در آماري که نگارنده در اسفند ماه ۱۳۹۲ از وبگاه فرمانداری گناباد استخراج کرد، جمعیت خانیک ۳۵۰ نفر و ۱۶۹ خانوار درج شده بود. اما طبق آماري که در سایت آمار ایران از آمار روستاها وجود دارد و در تاریخ ۱۳۹۴/۵/۲۹ اخذ شد، جمعیت خانیک ۲۵۹ نفر و تعداد خانوار آن ۱۳۸ گزارش شده است. البته جمعیت روستا در فصول مختلف متغیر است. بیشتر مهاجران خانیکی در شهرهای بزرگ از جمله تهران و مشهد مقیم‌اند. به علاوه عده‌ای از روستاییان قدیم که اکنون مقیم شهرها هستند، در تابستان و دهه اول محرم و عید نوروز به روستا برمی‌گردند. در سال‌های اخیر به خاطر خشک‌سالی مناطق اطراف و خوش آب‌وهوا بودن خانیک، در بهار و تابستان از گناباد و روستاها و شهرهای دیگر مسافران بسیاری روزها به روستا می‌آیند، برای استفاده از آب خنک و شیرین و هوای معتدل و مطبوع آن.

پیشینه

گویش خانیکی تقریباً از گویش‌های کمتر شناخته شده زبان فارسی است. در چند سال پیش در یک مقاله معنای برخی لغات تاریخ بیهقی با توجه به گویش خانیکی تصحیح شد (اختیاری: ۱۳۸۸) و در نوشته‌ای دیگر یک فعل نادر که ریشه در زبان سنسکریت و فارسی باستان دارد، اما در گویش خانیکی رایج است نیز بررسی گردید (اختیاری: ۱۳۹۱). در کتاب *واژه‌نامه گویش خانیک لغات و تعبیرات رایج در روستای خانیک جمع‌آوری و شرح شده است* (اختیاری، ۱۳۹۳). اما در مورد معرفی زمان‌ها، به خصوص بعید آیدگی و دیگر زمان‌های خاص این گویش خانیک تحقیقی انجام نگرفته است.

روش کار

چند سالی است نگارنده به تحقیق در مورد گویش خانیک مشغول است. پس از مدت‌ها مصاحبه و گفتگو با گویشوران کهن سال و غالباً بی‌سواد این روستا نتایج تحقیقات به صورت چند مقاله ارائه شد. در حین نوشتن مقالاتی در صرف برخی فعل‌های نادر و شناسه‌ها در گویش خانیک،

چند زمان در این گویش دیده شد که در فارسی معیار یا نادر و کم‌استعمال است یا وجود ندارد. در حین کار این زمان‌ها در پوشه‌ای جداگانه نوشته می‌شد و پس از اتمام آن‌ها، زمان‌های نادر و کمیاب اینک معرفی می‌شود.

۲. گذشته در آینده یا بعید آیدگی

۱. ۲. بعید آیدگی یا گذشته در آینده زمانی است که در آن از گذشته و گاهی از گذشته خیلی دور، قصد انجام کاری وجود داشته است، اما تا کنون انجام نشده و در آینده یا حال به آن هدف عمل خواهد شد یا انجام نخواهد گرفت. این زمان در فارسی معیار وجود ندارد و در متون گذشته هم دیده نشد.

ساختمان بعید آیدگی: ماضی نقلی استمراری از مصدر گویشی «مَیستَا» (خواستن) + ماده نقلی گویشی بُده (بوده) + سوم شخص مفرد ماضی مصدر بودن به صورت «ب» + مضارع التزامی از مصدر مورد نظر.

چهار فعل در ساخت این زمان توأم با هم به کار می‌رود، فعل چهارم است که انجام شدن یا نشدن آن را نشان خواهد داد.

با آوردن چند مثال از گفتار گویشوران خانیکی به تبیین آن پرداخته می‌شود:

۱ - «مَیستَم بُده ب بُرم» (می خواسته بوده بودم بروم).

ma:-yesta-m bod-a bo bor-om
PROG-want.PST-1SG be.PST-ASP be.PST go.PRS-1SG

۲ - «ور کج مَرَّ حَج مونه؟» (حاجیه بمانه به کجا می‌روید؟).

Var kaja ma-r-a haje mun-a?
whether where PROG-go.PRS-3SG Haji stay.PRS-3SG

«ماسته م بُده ب بُرم ور کشمون خلقوچ، حج محمد د ایرونی، پیغوم ش داده برش چاش بیرم،

مروم ور ایرونی».

(می خواسته بوده بودم بروم به کشتزار خلقوچ، حاج محمد در ایرونی است، پیغام فرستاده

برایش نهار ببرم، می‌روم به ایرونی).

ma:-yesta-m boda bo bor-om var kešmun xalquč
PROG-want.PST-1SG be.PST-ASP be.PST go.PRS-1SG to farm Xalquč

haj mohammad da ?i:runi=ha, payqome=š da:d-a bare=š čâš
 Haj Mohammd in Iruni=is.PRS.3SG messge=3SG.CLT give-ASP for=him.CLT food
 be-bar-om. ma-r-om var ?i:runi.
 SUBJ-take.PRS-1SG PROG-go.PRS-1SG to Iruni.

یا:

۳- «چو چنی ایشو دَر شماها؟»، «ماسته م بُده بُ ییم ور خلقوچ، حجرقیه بومه بُ ورسرام، حال م یایم».
 (چرا این گونه عجله دارید شماها؟ می خواسته بوده بودیم بیاییم به (کشتزار) خلقوچ، حاجیه رقیه
 آمده بود به منزل ما، حالا می آیم).

ču: čeni ?eštow dar-a šomâ-hâ? ma:yesta-ma boda
 why such hurry have-2PL you-PL PROG-want.PST-1SG be.PST-ASP
 bo be-yo:y-em var xalquč, haje roqeya bumad-a bo
 be.PST SUBJ-come.PRS-1PL to farm Haj Roqayeh come.PST.3SG-ASP be.PST
 var ser-a ma, hâla me-ya-y-em
 to house-EZ our, now PROG-come-EU-1PL

۴- چَن وخت اس ماسته م بُده بُ ورگویم، حال م ورگویم. (چند وقت است می خواسته بوده
 بودم بگویم، حالا می خواهم بگویم).

čan vaxt as ma:sta-m bod-a bo vargu:y-om,
 some time be.PRS.3SG PROG-want.PST-1SG be.PST-ASP be.PST say.PRS-EU-1SG
 hâla ma-φ-m vargu:y-om
 now PROG-want-1SG say.PRS-EU-1SG

. مستهت بُده بُ بر، چگرت ک؟ (می خواسته بوده بودید بروید، چه کار کردید/ چه تصمیمی
 گرفتید؟ آیا قصد رفتن دارید؟).

ma:sta-ta boda bo ber-a, čegar=ta ke?
 PROG-want.PST-2SG be.PST-ASP be.PST go.PRS-2PL what=2PL do.PST.3SG

۶. «ماسته م بده ب یگ مرغ ر ور نشونم» (می خواسته بوده بودم یک مرغی را کرچ کنم) (تا روی

تخم مرغها بخوابد، اما تا کنون انجام نشده است).

ma:sta-m boda bo yag morq=a var-nešun-om
 PROG-want.PST-2SG be.PST-ASP be.PST one hen=RA SUBJ-sit.PRS-1SG

نمونه دیگر

«ای گندهام مایسته بُده بُ بشکنم، گازم ندیده بُ، وادی اومدی، امرز مم بشکنم^(۱)»

(این گندها را می خواسته بوده بودم بشکنم، گاز^(۲) را ندیده بودم، پیدا شده؛ امروز می خواهم

کندها را بشکنم).

ʔi kondε-hâ=m ma:-yest- a boda bo be-škan-om,
 these timber-PL=1SG.CLT PROG-want.PST-3SG be.PST-ASP be.PST SUBJ-break.PRS-1SG
 gâz=om na-did-a bo, vadi oumad-e, emroz ma-φ-m be-škan-om
 spike=1SG NEG-see.PST-ASP be.PST visible come.PST-ASP today PROG-want-1SG
 SUBJ-break.PRS-1SG

شش ساخت بعید آیدگی از مصدر لازم «رفتا» [rafta:] (رفتن):

می خواسته بوده بودم بروم	ma:-yesta-m bod-a bo bo-r-om PROG-want.PST-1SG.CLT be.PST-ASP be.PST SUBJ-go.PRS-1SG	مأیستهم بده ب برم
می خواسته بوده بودی بروی	ma:-yest-ed bod-a bo be-r-i PROG-want.PST-2SG.CLT be.PST-ASP be.PST SUBJ-go.PRS-2SG	مأیستهت بده ب بری
می خواسته بوده بود برود	ma:-yesta=š boda bo be-r-a PROG-want.PST-3SG.CLT be.PST-ASP be.PST SUBJ-go.PRS-3SG	مأیستهش بده ب بر
می خواسته بوده بودیم برویم	ma:-yesta=ma boda bo be-r-em PROG-want.PST-1PL.CLT be.PST-ASP be.PST SUBJ-go.PRS-1PL	مأیستهم بده ب بریم
می خواسته بوده بودید بروید	ma:-yesta-ta boda bo be-r-a PROG-want.PST-2PL.CLT be.PST-ASP be.PST SUBJ-go.PRS-2PL	مأیستهت بده ب بر
می خواسته بوده بودند بروند	ma:-yesta=ša boda bo be-r-an PROG-want.PST-3PL.CLT be.PST-ASP be.PST SUBJ-go.PRS-3PL	مأیستهش بده ب برن

ساخت‌هایی از مصدر متعدی «بفتا» [bafta:] (بافتن):

می خواسته بوده بودم بیافم	ma:-yesta-m bod-a bo be-baf-om PROG-want.PST-1SG.CLT be.PST-ASP be.PST SUBJ-knit.PRS-1SG	مأیستهم بده ب بیفم
می خواسته بوده بودی بیافی	ma:-yest-ed bod-a bo be-baf-i PROG-want.PST-2SG.CLT be.PST-ASP be.PST SUBJ-knit.PRS-2SG	مأیستهت بده ب بیفی
می خواسته بوده بود بیافد	ma:-yesta=š bod-a bo be-baf-a PROG-want.PST-3SG.CLT be.PST-ASP be.PST SUBJ-knit.PRS-3SG	مأیستهش بده ب بیفا
می خواسته بوده بودیم بیافیم	ma:-yesta=ma bod-a bo be-r-em PROG-want.PST-1PL.CLT be.PST-ASP be.PST SUBJ-knit.PRS-1PL	مأیستهم بده ب بیفم
می خواسته بوده بودید بیافید	ma:-yesta-ta bod-a bo be-r-a PROG-want.PST-2PL.CLT be.PST-ASP be.PST SUBJ-knit.PRS-2PL	مأیستهت بده ب بیفا
می خواسته بوده بودند بیافند	ma:-yesta=ša bod-a bo be-r-an PROG-want.PST-3PL.CLT be.PST-ASP be.PST SUBJ-knit.PRS-3PL	مأیستهش بده ب بیفن ^(۳)

ساخت‌های بعید آیدگی از پیشوندی «ور دشتا» [var dašta:] (برداشتن)

«مأیستهت بُده بْخ وردَرُم ورنم داشته ی دَ او افتی دِی» (می خواسته بوده بودم بردارمش، برش نداشته‌ام در آب خیس شده است / آب به زیرش رسیده است).

ma:-yest=am bod-a bo xo Vardar-ome, var-nam-dašte-ye
 PROG-want.PST-1SG.CLT be.PST-ASP be.PST that take.PRS-1Sg verbal prefix-NEG-
 take.PRS-ASP
 da ow aftid-ey
 till water fall.PST.3SG-ASP

در صرف فعل‌های بعید آیندگی بین فعل‌های لازم، متعدی، معلوم و پیشوندی هیچ تفاوتی دیده نشد. مجهولش کاربرد ندارد. از جهت قرار گرفتن محل شناسه در این زمان خاص، ساخت فعل‌ها در همه شخص‌ها به یک صورت می‌آید. مثال‌های نقل شده از فعل‌های مختلف لازم و متعدی و پیشوندی و ساده در تبیین این زمان، گویای این نکته است.

۲.۲. گذشته التزامی استمراری

گذشته التزامی استمراری زمان خاصی است در گویش خانیک که شش ساخت آن کاملاً رایج است، اما «در کتب دستور به این ماضی اشارتی نرفته است» (احمدی گیوی، ۱۳۸۰: ۵۰۲؛ همو، ۱۳۸۰: ۱۶۷). «ماضی التزامی مستمر، از گونه‌های کم کاربرد ماضی است که با افزودن پیش‌واژک «می» بر سر ساخت ماضی التزامی پدید می‌آید» (همان‌جا).

در تاریخ جهانگشای جویینی ساخت ماضی التزامی استمراری به کار رفته است: «از انواع اخراجات هم از ایشان ترتیب سازند و زنان و کسان ایشان که در بنه و خانه مانده باشند مؤونتی که به وقت حضور می‌داده باشند برقرار باشد» (جویینی، بی تا، ۱: ۲۲). نمونه دیگر از همان کتاب: «چون او در مدت دراز عمر خویش این هوس را در دماغ می‌پخته باشد و چنین فرصتی می‌جسته او را از حضرت خود مأیوس و محروم باز گردانیدن از علو همت دور می‌افتد» (همان: ۱۶۶). گذشته التزامی استمراری مثل «گذشته التزامی» صرف می‌شود، فقط به جای صفت مفعولی «مأسته»، از «مأیسته» استفاده می‌شود.

ساختمان گذشته التزامی استمراری: پیش‌واژک استمراساز «می» + ماده نقلی فعل مورد نظر +

صرف زمان حال بودن (باش + شناسه‌های گویشی).

ساخت‌های ماضی التزامی استمراری در گویش خانیک:

می‌خواسته باشم	ma:-yesta=m PROG-want.PST-1SG.CLT	baša be.PRS.3SG	مَایستَمَ بَشَ (۴)
می‌خواسته باشی	ma:-yesta=t PROG-want.PST-2SG.CLT	baša be.PRS.3SG	مَایستَهت بَشَ
می‌خواسته باشد	ma:-yesta=š PROG-want.PST-3SG.CLT	baša be.PRS.3SG	مَایستَهش بَشَ
می‌خواسته باشیم	ma:-yesta=ma PROG-want.PST-1PL.CLT	baša be.PRS.3SG	مَایستَمَ بَشَ
می‌خواسته باشید	ma:-yesta=ta PROG-want.PST-2PL.CLT	baša be.PRS.3SG	مَایستَهت بَشَ
می‌خواسته باشند	ma:-yesta=ša PROG-want.PST-3PL.CLT	baša be.PRS.3SG	مَایستَهش بَشَ

مثال‌هایی از گذشته التزامی مستمر در گویش خانیکی:

«ما ر دگه فرموش نکن، مومده باش.» (ما را دیگر فراموش نکنید، می‌آمده باشید)

mâ r dega farmoš na-kon-a mu-mad-a baš-a
we RA again forget NEG-do.PRS-2PL PROG-come.PRS-2PL
be.PRS.3SG

حال نه، صر ک وختک نو مپخته بشد ببر. (حالاً نه، صبر کن وقتی که نان می‌پخته باشد آن را ببر).

hâla ne, sar ko vaxtek nu ma-poxt-a baša-d be-bare
now not, patience do.IMPR when bread PROG-cook.PST-ASP be.PST-3SG IMPR-take.PRS

چنان‌که ملاحظه شد، فعل‌های گذشته التزامی استمراری در گویش مردم خانیکی هنوز پرکاربرد است.

۲.۳. ماضی ابعاد یا پیشین نقلی

ماضی ابعاد یا گذشته دور، نوعی ماضی نقلی پیشین است که «گاهی بسیار نادر» (خانلری، ۱۳۶۶، ۲: ۲۶۹) در نوشته‌های متن‌های اولیه زبان فارسی به کار رفته است. در توضیح آن آمده است: «انجام گرفتن کاری یا بودن امری را در گذشته دور یا دورتر می‌رساند ... گوینده یا نویسنده، معمولاً از وقوع فعل به طریق نقل قول خبر می‌دهد» (احمدی گیوی، ۱۳۸۰: ۴۵۹). دریافت شادروان دکتر خانلری در مورد استفاده این زمان چنین است: «در بیان امری است که پیش از زمان معینی از گذشته واقع شده و تا آن زمان دوام داشته است (متفاوت با ماضی نقلی که دوام فعل به زمان حال می‌رسد، و متفاوت با ماضی پیشین که دوام آن در زمان وقوع ماضی تام قطع می‌شود). مثالی از تاریخ جهانگشای جوینی: «قآن فرمودست که مرواریدی که مُعدست بیارند دوازده طبله مروارید بهشتاد هزار دینار خریده بودست آوردند» (جوینی، ج. ۱، بی تا: ۱۸۰).

در نثر معاصر به تقلید از گذشته یا برای بازنویسی متنی و سخن گفتن در مورد متون و داستان-های گذشته هم گاهی از این ساخت‌های فعل استفاده می‌شود (خانلری، ۱۳۶۶، ۲: ۲۷۰).

معمولاً سوم شخص این ماضی در فارسی معیار به کار رفته است، در حالی که تمام ساخت‌های آن در گویش خانیک پرکاربرد است.

ساخت ماضی ابعاد: ب (در صورتی که فعل پیشوندی باشد، بدون ب) + ماضی نقلی فعل مورد نظر + ماده نقلی (بودن) به صورت «بُده».

نمونه‌ای از صرف ساخت‌های ماضی ابعاد در گویش خانیک:

رفته بوده‌ام	be-rafta=m verbal prefix-go.PST-1SG.CLT	bod-a be.PST.3SG-ASP
رفته بودهای	be-rafta=t verbal prefix-go.PST-2SG.CLT	boda be.PST.3SG-ASP
رفته‌بوده‌است	be-rafta=š verbal prefix-go.PST-3SG.CLT	boda be.PST.3SG-ASP
رفته بوده‌ایم	be-rafta=ma verbal prefix-go.PST-1PL.CLT	boda be.PST.3SG-ASP
رفته بوده‌اید	be-rafta=ta verbal prefix-go.PST-2Pl.CLT	boda be.PST.3SG-ASP
رفته بوده‌اند	be-rafta=ša verbal prefix-go.PST-1SG.CLT	boda be.PST.3SG-ASP

۲. ۴. ماضی ابعاد استمراری

ماضی ابعاد استمراری از زمان‌هایی است که در فارسی معیار کم‌کاربرد بوده است، در حالی که در بین مردم خانیک رواج دارد. ماضی ابعاد استمراری در گویش خانیک با پیش‌واژک «م» + فعل ماضی ابعاد ساخته می‌شود.

«از میان دهها هزار شاهدهی که از متون کهن پارسی برگزیده‌ای شده، تنها دو شاهد برای این فعل پیدا شده است» (احمدی گیوی، ۱۳۸۴: ۱۵۷). در کتاب *دستور زبان فارسی فعل یک نمونه* یا شاهد برای ماضی ابعاد استمراری نقل کرده‌اند (احمدی گیوی، ۱۳۸۴: ۱۵۷) که به نظر می‌رسد از نظر معنا ماضی ابعاد استمراری است و نه از جهت ساخت آن:

«خدای گفت چند روزگار بُدستی اینجا؟ عزیز گفت بُدستم یک روز یا برخی از روزی. گفت نه

چنین است. صد سال اینجا فرو مرده بدستی» (شنتقی، ۱۳۵۵: ۵۴).

ساخت‌های ماضی ابعاد استمراری از مصدر (رفتن) در گویش مردم خانیک چنین است:

می‌رفته بوده‌ام	ma-rafta=m PROG-go.PST-1SG.CLT	boda be.PST.3SG-ASP	مَ رفته م بوده
می‌رفته بوده‌ای	ma rafta t PROG-go.PST-2SG.CLT	bod-a be.PST.3SG-ASP	مَ رفته ت بوده
می‌رفته بوده است	ma rafta š PROG-go.PST-2SG.CLT	bod-a be.PST.3SG-ASP	مَ رفته ش بوده
می‌رفته بوده‌ایم	ma rafta ma PROG-go.PST-1PL.CLT	bod-a be.PST.3SG-ASP	مَ رفته م بوده
می‌رفته بوده‌اید	ma rafta ta PROG-go.PST-2PL.CLT	bod-a be.PST.3SG-ASP	مَ رفته ت بوده
می‌رفته بوده‌اند	ma rafta ša PROG-go.PST-3PL.CLT	bod-a be.PST.3SG-ASP	مَ رفته ش بوده

مثالی از این نوع ساخت در داخل جمله ارائه می‌شود:

«او سالاک ور اوجا شَ او مبرده بُده درختِ یش ور حضور ب، حال خ نصپش خُش شده»

(آن سال‌ها که به آن‌جا آب می‌برده بوده‌اند، درخت‌هایش شاد و سرحال بود، اما حالا نصفش

خشک شده است).

ʔu sâl-â=k var ʔujâ=ša ow ma-bord-a
That year-PL=that.CLT to there=3SG.CLT water PROG-take.PST-ASP
bod-a deraxt-a -yeš var hozur bo , hâla x nesp=eš
xoš šud-a. be.PST.3SG-ASP tree-PL-its.CLT happy cheery be.PST.3SG
now half=its.CLT dry become.PST-ASP

۲.۵. ماضی ابعاد دورتر

«ماضی ابعاد دورتر» که در گویش خانیک رایج است، زمانی را نشان می‌دهد که در گذشته دور

عملی انجام گرفته است و اکنون از انجام آن عمل، سخن گفته می‌شود. از نظر کاربرد می‌تواند مانند

گذشته ابعاد باشد، اما در این زمان گذشته دورتری منظور است یا قبل از انجام عملی در گذشته. به

همین دلیل نامش را «ابعاد دورتر» گذاشته‌ام. این زمان در فارسی معیار و کهن نیست.

ساختمان ابعاد دورتر در گویش خانیک: ماضی نقلی فعل مورد نظر + ماده نقلی فعل بودن +

بن ماضی گویشی فعل بودن که به شکل «ب» ظاهر می‌شود.

مانند:

آمده بوده بدم	Bumad= am bod-a bo Come.PST=1SG.CLT be.PST.3SG-ASP be.PST.3SG	بومدهم بده ب
آمده بوده بودی	Bumad=at bod-a bo Come.PST=2SG.CLT be.PST.3SG-ASP be.PST.3SG	بومدهت بده ب
آمده بوده بود	Bumad=aš bod-a bo Come.PST=3SG.CLT be.PST.3SG-ASP be.PST.3SG	بومدهش بده ب
آمده بوده بودیم	Bumad=ama bod-a bo Come.PST=1PL.CLT be.PST.3SG-ASP be.PST.3SG	بومدهم بده ب
آمده بوده بودید	Bumad=ata bod-a bo Come.PST=1PL.CLT be.PST.3SG-ASP be.PST.3SG	بومدهت بده ب
آمده بوده بودند	Bumad=aša bod-a bo Come.PST=1PL.CLT be.PST.3SG-ASP be.PST.3SG	بومدهش بده ب

او سالاش بر دختر علی م ورگفته بده ب، امبا پدرش راضی نشده ب. (آن سالها یا سالهای

خیلی دور برای دختر علی ما گفته بودند/ خواستگاری کرده بودهاند/ اما پدرش راضی نشد).

?u sâl-â= ša bar doxtar ali=ma var-goft-a those
year-PL=3SG.CLT for daughter Ali=our.CL prefix-say.PST-ASP
boda bo ambâ pedar=eš razi na-šud-a bo
be.PST.3SG-ASP be.PST.3SG but father=her.CLT satisfied NEG-become.PST-ASP
be.PST.3SG

- « شما ک مگ جغتُم ک، جَوابت وندا. او موق ورگردیده م بده ب» (شما که می گوید صدایت

زدم جواب ندادی، آن موقع برگشته بوده بدم).

šomâ ke ma-g-a jeqet=om ke jovâb=et
you that PROG-say.PRS-2SG call=1SG.CLT do.PST.3SG reply-2SG.CLT
va-na-dâ ?u mowqa vargardid=am bod-a bo
prefix-NEG-give.PST.2SG that time come back.PST=1SG.CLT be.PST.3SG-ASP
be.PST.3SG

عبارت مذکور از نظر تغییر جایگاه شناسه به این شکل هم گفته می شود:

«شما ک مگ جغتُم ک، جُواب وُندا. او موقم ورگردیده بُده بُ»، (شما که می‌گویید صدایت زدم جواب ندادی، آن موقع برگشته بوده بودم).

šomâ ke ma-g-a jeqet=om ke jovâb=et va-na-dâ,
 you that PROG-say.PRS-2SG call=1SG.CLT do.PST.3SG reply-2SG.CLT
 prefix-NEG-give.PST.2SG
 ?u mowqa=m vargardid-a bod-a bo
 that time =1SG.CLT come back.PST=3SG be.PST.3SG-ASP be.PST.3SG
 یا این فعل‌ها:

«برفتم بُده بُ» [beraft=am bod-a bo] (رفته بوده بودم).

برفته ت بُده بُ [beraft=ata bod-a bo] (رفته بوده بودی).

برفته ش بُده بُ [beraft=aš bod-a bo] (رفته بوده بود).

با مثالی دیگر معنای این زمان واضح‌تر بیان می‌شود:

قرار است با رانندهٔ خودروی که هر روز صبح مسافران روستا را به گناباد می‌برد، چیزی به گناباد بفرستند. کسی به محل حرکت سرویس می‌رود و بسته‌ای را با خود می‌برد. وقتی برگشت در منزل می‌پرسند:

- «چگر شو؟ زود ت ورگردی» (چی شد؟ زود برگشتی؟)

čegar šu? Zude=t vargard-i
 what become.PST.3SG soon=2SG.CLT come back.PST-2SG

و پاسخ می‌شنوند:

- «برفته ش بُده بُ، ب‌ن‌م رسی» (رفته بوده بود، نرسیدم).

be-rafta=š bod-a bo/, be-na-m- rasi
 prefix-go.PST=3SG.CLT be.PST.3SG-ASP be.PST.3SG prefix-NEG-PROG-reach.PST.3SG

۲.۶. آینده استمراری

آینده استمراری در گویش خانیک مثل آیندهٔ ساده در فارسی معیار ساخته می‌شود با این تفاوت که «م» [ma] پیشوند استمرار سازِ گویشی بر سر فعل کمکی (خواستن) می‌آید. فرق این زمان با آیندهٔ ساده در این است که امتداد و استمرار را می‌رساند. این ساخت گونهٔ نادری است که در فارسی معیار وجود ندارد. در گذشتهٔ زبان فارسی هم ظاهراً تنها یک مثال برای آن یافت شده است (احمدی گیوی، ۱۳۸۴: ۲۰۸).

محمد بن منور در اسرارالتوحید آورده است:

«این حدیث می خواهد بود تا قیامت» (محمد بن منور، ۱۳۶۶: ۳۳۷).

ساختمان آینده استمراری: پیش‌واژک گویشی استمرارساز «م» + مضارع فعل خواستن + شناسه‌های گویشی + بن ماضی گویشی فعل مورد نظر.

شش ساخت از آینده استمراری در گویش خانیکی از مصدر گویشی «ماستا» [ma:yesta:]:

می خواهم خواست	ma:-xa:h-om PROG-want.PRS-1SG	ma:-yes PROG-want.PST.3SG	مَأْخَاهُم مَأِيس
می خواهی خواست	ma:-xa:h-i PROG-want.PRS-2SG	ma:-yes PROG-want.PST.3SG	مَأْخَاهِي مَأِيس
می خواهد خواست	ma:-xa:h-ad PROG-want.PRS-3SG	ma:-yes PROG-want.PST.3SG	مَأْخَاهَد مَأِيس
می خواهیم خواست	ma:-xa:h-em PROG-want.PRS-1PL	ma:-yes PROG-want.PST.3SG	مَأْخَاهِم مَأِيس
می خواهید خواست	ma:-xa:h-a PROG-want.PRS-2PL	ma:-yes PROG-want.PST.3SG	مَعَاة مَأِيس
می خواهند خواست	ma:-xa:h-an PROG-want.PRS-3PL	ma:-yes PROG-want.PST.3SG	مَأْخَاهَن مَأِيس

در زمان آینده استمراری کاری به کرات انجام خواهد گرفت.

نمونه‌هایی دیگر از فعل‌های آینده استمراری:

۲.۶.۱. «مَعَاة خوارِد» [ma-xa:h-i xârd-e] (در آینده کم کم و به مراحل مختلف آن را

خواهی خورد).

گاهی هم برای منصرف کردن کسی از انجام عملی و عمل به آن را به آینده موكول کردن،

ساختی نظیر آنچه در پی می‌آید به کار می‌رود:

«د بَرَت مَخَاهِي كَرِد» (می خواهی پوشید): در آینده آن را خواهی پوشید.

da bare=t ma:-xa:h-i kerde
to body=your.CLT PROG-want.PRS-2SG make.PSR.3SG

«دیر ناماش ورمَعَاة زِد» (دیر نمی‌شود، کم کم آن را (می خواهید چید/ خواهید چید).

dēr na:-ma-š-a var-ma-xah-a zade
late NEG-PROG-become.PRS-3SG prefix-PROG-want.PRS-2PL cut.PST.3SG

نمونه‌ای دیگر:

می‌خواهم رفت (در آینده به کرات خواهم رفت)	ma:-xa:h-om raf PROG-want.PRS-1SG go.PST.3SG	مأخأه م رف
می‌خواهی رفت (در آینده به کرات خواهی رفت)	ma:-xa:h-i raf PROG-want.PRS-2SG go.PST.3SG	مأخأهی رف

۲. ۶. ۲. «انشاءالله شما وخت ک بیوی ور همسایگی ما، بشتن مخاهم رفت»

(ان شا الله وقتی شما که به همسایگی ما نقل مکان کردید، با هم بیشتر و به کرات به آن جا می-خواهیم رفت).

enahllah šomâ vaxte-ke be-yoy-a var hamsayagi
God's will you when SUBJ-come.PRS-2SG to neighborhood
mâ bēštar ma:-xa:h-em raf.
we more PROG-want.PRS-1SG go.PST.3SG

۱. ۷. امر مستمر

از نظر معنا همان فعل امر است، اما تداوم دارد و از نظر ساخت نظیر فعل امر است، با این تفاوت که پیش‌واژک استمرار ساز گویشی «م» بر سر آن می‌آید و تکیه کلام گویشی «ب» نیز در آخر فعل قرار می‌گیرد.

زمان امر با کاربرد امری و مستمر، عملی خاص را در گویش خانیک نشان می‌دهد که ظاهراً در فارسی معیار وجود ندارد. برای مثال: «مرو ب» [ma-rov-ba] (می‌رو) (برو کم کم و پیوسته). تا حدودی همان معنای «برو»، فعل امر اول شخص مفرد، را دارد، اما ساخت و کاربرد آن در گویش خانیک با فعل «برو» تفاوت دارد. وقتی می‌گوییم «برو» فرمان رفتن بدون هیچ قیدی داده می‌شود، اما وقتی در گویش خانیک گفته می‌شود: «مرو ب» [ma-ro- ba] «می‌رو». در این جا فقط رفتن نیست، بلکه رفتن همراه با تداوم و نوعی انتظار را می‌رساند.

ساختمان امر مستمر در گویش مردم خانیک: پیش‌واژک «م» استمرارساز + ماده مضارع فعل مورد نظر (ساخت مناسب امر مفرد یا جمع) + علامت مخصوص شناسه گویشی + «ب» گویشی.

«تو مرو ب، مو خار به تو خُم رسن (تو می‌رو [تو کم کم و با تأنی و نه با عجله برو] من خود را به تو خواهم رساند).

to ma-ro -ba, mo xâr be to xo-m rason
 you PROG-go.PRS-IMP I myself to you want.PRS-1SG reach.PRS.3SG

و جمع آن «مَرَب» [ma-ra-ba] (می‌روید به معنای بروید):

«شما مَرَب ما بعد بِخَم ما» (شما بروید به آهستگی، ما بعد (بلافاصله بعد از شما) خواهیم آمد
 یا فعلاً شما بروید ما بعد خواهیم آمد).

šomâ ma-ra
 you PROG-go.PRS-IMP we later prefix-want.PRS-3PL come.PST.#SG

برای مقایسه تفاوت آن با امر عادی یک مثال آورده می‌شود: «بر» [ber a] (برو).

«بَر خَالَه ور سِرات ک مادرت چرخت مَخَّه ز» (برو خاله به منزلتان که مادرت به دنبالت می -
 خواهد گشت).

be-r-a xâlah var sera=ta ke
 IMP-go.PRS-2SG aunt to house=your.CLT that
 ma:dar=et čarx=et ma-xah-a za
 mother=your.CLT follow=you.CLT PROG-want.PRS-3SG hit.PST.3SG

«خاله به منزلتان برو» جمله پایه و «که مادرت دنبالت می‌خواهد گشت» جمله پیرو است.

از فعل امر مستمر، اول شخص و دوم شخص آن رایج است.

نتیجه‌گیری

مردم روستای خانیک، از حوالی بخش کاخک گناباد، در سخن گفتن خود علاوه بر زمان‌های رایج در فارسی معیار از زمان‌های دیگری نیز استفاده می‌کنند که نشانگر دقت‌های زبانی این مردم است. برخی از زمان‌های نادر که در گویش مردم خانیک رایج است، در زبان فارسی بی‌سابقه یا کم استعمال است، از جمله آن‌ها بعید آیدگی است.

در ساخت‌های این زمان، قصد انجام عملی از گذشته وجود داشته، اما هنوز تحقق پیدا نکرده است، نام این زمان «بعید آیدگی» گذاشته شد. ساخت‌هایی از زمانی که از ابعاد دورتر است هم، در گویش خانیک رایج است. این چند زمان نادر در فارسی معیار دیده نشده است.

نیز دو زمان کم‌کاربرد یا مهجور که به ندرت در یکی دو متن کهن به کار رفته یا اصلاً مسبوق به سابقه نیست، در این گویش رواج کامل دارد. مثل ماضی ابعداستمرای و ماضی التزامی استمراری.

فعل امر هم در گویش خانیک علاوه بر امر ساده و عادی، حالت استمراری به خود می‌گیرد و در جایی که منظور ادامه و استمرار فعل امر باشد، به کار می‌رود.

یادداشت‌ها

(۱) کاربرد این کسره شبیه گویش کاخک است و «بعد از افعال متعدی ظاهر می‌شود» (شریفی، ۱۳۹۰: ۷).

(۲) گاز: میخ‌مانند بزرگی که لای کنده‌ها برای شکسته شدن می‌گذارند.

(۳) تفاوت شناسه‌های ماضی و مضارع در گویش خانیک با عنوان «شناسه و نوسانات آن در گویش خانیک» در مقاله دیگری بررسی شده که در حال داوری است. در فعل‌های زمان گذشته گویش خانیکی شناسه جابه‌جا می‌شود و به عناصر مختلف جمله می‌چسبد و مثل گویش کاخکی حالت ارگتیو ناقص دارد (همان: ۳).

(۴) در ساخت‌های مختلف بین «مأستاً» و «مأیستاً» نیز «مأست» و «مأیست» تفاوت صددرصد معناداری دریافتیم، گرچه بی‌معنا هم نیست و «مأیستاً» زمانی دورتر یا قدیمی‌تر را نشان می‌دهد و یا شاید اشخاص مسن‌تر از شکل «مأیستاً» بیشتر استفاده می‌کنند، یعنی تفاوت در کاربرد، به سبب تفاوت در طبقات اجتماعی باشد که در هر صورت از این جهت، نیاز به بررسی بیشتری دارد.

کتاب‌نامه

- احمدی گیوی، حسن. (۱۳۸۴). *دستور زبان فارسی فعل*، تهران: نشر قطره.
- احمدی گیوی، حسن. (۱۳۸۰). *دستور تاریخی فعل*، ج. ۱، تهران: نشر قطره.
- اختیاری، زهرا. «توصیف مصدر آه /əh/ در گویش خانیک و مقایسه با چند گویش دیگر»، *مجله زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان*، سال چهارم، شماره ۱، شماره پیاپی ششم، بهار و تابستان ۱۳۹۱: ۵۰-۲۹.
- اختیاری، زهرا. (۱۳۹۳). *واژه‌نامه گویش خانیک*، مشهد: محقق.
- اختیاری، زهرا. «واکاوای چند واژه از تاریخ بیهقی» *زبان و ادب فارسی*، نشریه دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز، شماره ۲۰۹، دوره ۵۲، بهار و تابستان ۱۳۸۸.
- تفسیر سُنتشی (۱۳۵۵). تصحیح محمدجعفر یاحقی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- جوینی، عطاملک. (بی تا). *تاریخ جهانگشای*، بی‌جا: بامداد.

شریفی، شهلا. «برسی برخی نکات ساختوازی در مورد واژه‌بسته‌های ضمیری در گویش کاخکی»، مجله زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان، سال سوم، شماره ۲، شماره پیاپی پنجم، پاییز و زمستان ۱۳۹۰: ۱۵-۱.

محمد بن منور. (۱۳۶۶). اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید، مصحح محمدرضا شفیعی کدکنی، ج ۲، تهران: آگاه.

همایی، جلال‌الدین. (۱۳۶۲). تصوف در اسلام، تهران: هما.

پیوست - فهرست نمادها و علائم اختصاری

PST	زمان گذشته	ASP	تکواژ نمود ماضی نقلی	-	پیوند واجی در وندافزایی
RA	تکواژ «را»	EZ	کسره‌ی اضافه	=	پیوند واجی در واژه‌بست‌افزایی
ASP	وجه التزامی	IMP	وجه امری یا باء امر	1PL	اول شخص جمع
		EU	واج میانجی	1SG	اول شخص مفرد
		NEG	تکواژهای نفی و نهی	2PL	دوم شخص جمع
		PL	تکواژ جمع	2SG	دوم شخص مفرد
		PROG	تکواژ نمود استمراری	3PL	سوم شخص جمع
		PRS	زمان حال	3SG	سوم شخص مفرد